

تعاون و نقش آن در توسعه اقتصادی کشور

مقدمه:

یکی از مفاهیم و کلماتی که اخیراً در مقالات، دیالوگها و گفت‌وگوها درون جامعه خیلی شنیده می‌شود بحث توسعه است. بی‌شک هنگامی که بحث توسعه کشورها به میان می‌آید یکی از مهم‌ترین جهات آن و شاید اولین جهتی که ذهن شنونده را به خود جلب می‌کند توسعه اقتصادی کشورهاست. قاعدتاً تصور کشوری توسعه یافته بدون توجه به رشد اقتصادی غیر ممکن است. این در حالی است که اصولاً توسعه دارای مفهومی کیفی و همه‌جانبه بوده و کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. اما در اکثر موارد و مواقع بدلیل نقش و جایگاه مهمی که رشد اقتصادی در فرآیند توسعه کشورها دارد رشد اقتصادی و توسعه کشورها به صورت مترادف به کار می‌رود. لذا در بررسی وضعیت تعاون کشور بعنوان یکی از ۳ بخش مهم اقتصاد ایران (دولتی-خصوصی-تعاون) معمولاً از همین قاعده پیروی می‌شود. به همین علت نقش مهم تعاون در فرآیند توسعه جوامع نیز معطوف به توسعه اقتصادی آن جامعه می‌گردد. لذا غالباً تأکید بر ویژگی اقتصادی شرکتهای تعاونی می‌گردد. بنابراین ویژگی‌های دیگر تعاونی‌ها از قبیل توسعه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دارای اهمیت ثانویه می‌شوند هر چند که به نوبه خود بسیار مهم و اثرگذار در توسعه و بستر رشد اقتصادی جوامع اند. مهمترین ویژگی کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه پائین بودن تولید داخلی، سطح پائین اشتغال و وجود بیکاری آشکار و پنهان، توزیع نابرابر درآمدها و کمبود سرمایه است. اینک به بررسی اجمالی نقش تعاون در توسعه اقتصادی و آثاری که این بخش بر روی هر کدام از ویژگی‌های ذکر شده دارد می‌پردازیم. یادآوری می‌کنم که تمام این ویژگی‌ها زنجیروار به هم مربوطند. مثلاً اگر کمبود سرمایه در کشوری حل شود بسیاری از معضلات و مشکلات از قبیل کمبود تولید، بیکاری و... حل خواهد شد.

۱- نقش شرکتهای تعاونی در تولید

هدف سیاست توسعه قبل از هر چیزی معطوف به افزایش تولید داخلی و ملی است و به همین جهت هر نوع اقدامی که در چارچوب برنامه‌های توسعه اقتصادی بعمل می‌آید باید متوجه نیل به این اهداف باشد. در همین راستا و توجه به مسئله تولید است که سهم شرکتهای تعاونی مخصوصاً تعاونی‌های تولیدی در توسعه اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند. نوع و حجم تولید در اقتصاد ملی یک کشور نه فقط بستگی به فراهم بودن عوامل دارد بلکه قبل از هر چیز به بسیج این عوامل در جهت مقاصد تولیدی و ایجاد هماهنگی بین آنان مربوط می‌شود. شرکتهای تعاونی تولیدی می‌توانند نقش بسیار مهمی را ایفا نمایند. تعاونی‌های تولیدی می‌توانند با تجمیع سرمایه‌های اندک اعضا این اعتبار مالی را در خدمت تولید و اقتصاد کشور قرار دهند که انجام این کار از توان تک افراد جامعه خارج است و این رویکردی است که تمام جهان به این سو حرکت می‌کند. افزایش تولید از این طریق تا هنگامی که مسائل مربوط به بازاریابی و فروش محصولات روشن نشده باشد نمی‌تواند تأثیر بسزائی در توسعه اقتصادی داشته باشد. لذا به موازات این اقدام باید به وظایف بازاریابی و فروش تولیدات توجه کافی داشته باشیم. لذا اینجاست که نقش تعاونی‌های توزیعی و اهمیت آنها نمود پیدا می‌کند. این تعاونی‌ها می‌توانند راساً به توزیع و فروش فرآورده‌های تولیدی اقدام و دست واسطه‌ها را کوتاه کنند. اعمال چنین وظیفه‌ای از جانب شرکتهای تعاونی موجب بهره‌برداری با صرفه‌تر واحدهای تولیدی شده و چون درآمد حاصل از انجام این معاملات نصیب شرکتهای تعاونی و اعضا می‌گردد موجب سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود.

۲- نقش تعاونی‌ها در سرمایه‌گذاری‌ها:

یکی از مهمترین موانع توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کمبود سرمایه است. همین سرمایه کم نیز بدلیل نبود فرهنگ سرمایه‌گذاری، صرف فعالیتهای غیراقتصادی می‌شود. شرکتهای تعاونی از طریق آموزش اعضا و ایجاد زمینه‌های سالم اقتصادی قادرند در کاهش میزان مصرف افراد و در نتیجه افزایش پس‌انداز دخالت نموده و این سرمایه‌ها را در جهت سرمایه‌گذاری در تولید هدایت کنند. تعاونی‌ها می‌توانند این وجوه متمرکز شده را در یک صندوق تجمیع کرده و با انجام عملیات بانکی موجب بکار افتادن آن در جریان سرمایه‌گذاری گردند.

تعاونی ها می توانند رابطه سالمی بین اعضا و موسسات اعتباری و مالی از جمله بانکها ایجاد کرده و نیازمندی های تسهیلاتی اعضا را مرتفع سازند . بدیهی است تعاونی ها قادرند تضمین مطمئن تری برای موسسات وام دهنده تامین کنند .خود این تعاونی ها می توانند از محل وجوه تمرکز شده به اعضا وام داده و بار سنگین بهره های طاقت فرسا را از این طبقه بردارند و صرفه جویی حاصل از آن مجدد به اعضا باز می گردد.

۳- تعاونی ها و نقش آنان در ایجاد اشتغال

یکی از بزرگترین معضلات و ویژگی مشترک کشورهای در حال توسعه نرخ بالای بیکاری است .دلیل این امر نه تنها رشد جمعیت بلکه عدم هماهنگی بخش صنعت با نیازهای اشتغالی جامعه است.به غیر از جمعیت بیکار غیرماهر ، مشکل افراد تحصیل کرده و بیکار نیز مطرح است که بدلیل فقدان سیستم برنامه ریزی نیروی انسانی نتوانسته اند شغلی برای خود بیابند. تعاونی ها بویژه تعاونی های خدماتی می توانند تا حد زیادی این مشکل را حل کنند .بدیهی است مشاغل و صنایع کوچک که از ارکان اصلی اشتغال درجوامع هستند بدلیل عدم توان رقابت با صنایع ماشینی و پیشرفته بتدریج موقعیت خود را در بازار اشتغال از دست داده اند .این واحدهای کوچک می توانند از طریق ایجاد واحدهای بزرگتر در قالب تعاونی ها موقعیت خویش را بهبود بخشیده و در حل مشکل اشتغال نیز گام بردارند.